ایران

• پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵
• ۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
• ۵ نوامبر ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۱۶۷
• (۴ صفحه مجازی) +۱۲ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۲۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir



پیام رهبرانقلاب
به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی:

پایان افسانه شکست ناپذیری آمریکا

تنها راه رسیدن به نقطه بازدارندگی مطلق
استمرار راهبرد «ایران هرچه قوی‌تر» است

۲

تاوان سیاسی هزینه های جنگ با ایران برای ساکن کاخ سفید و حامیانش

حباب ترامپ ترکید

جی. دی. ونس:

دلیل باخت ما جنگ علیه ایران بود

«ایران» چرایی شکست سنگین جمهوری خواهان در انتخابات میان دوره‌ای آمریکا و ارتباط آن با جنگ علیه ایران را بررسی می کند

یادداشت‌هایی از
مجید شریفی
و شهروز شریعتی
دو استاد روابط بین‌الملل



طرح: هادی حیدری

۴ ۵

یادداشت

همه پرسی ملی علیه ترامپ و «نه بزرگ» به جنگ

اکبر ولی‌زاده*| نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا را باید فراتر از رقابت معمول دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات و جابه‌جایی اکثریت در کنگره تحلیل کرد. پیروزی دموکرات‌ها و بازپس‌گیری اکثریت هر دو مجلس، در شرایطی اتفاق افتاد که دولت دونالد ترامپ ماه‌ها درگیر جنگ با ایران بود؛ جنگی که نه‌تنها به اهداف اعلام‌شده خود دست نیافته بود، بلکه به‌تدریج هزینه‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی آن در داخل آمریکا آشکار می‌شد. از این منظر، نتیجه انتخابات را می‌توان بازتاب مخالفت گسترده افکار عمومی با ادامه جنگ و اعتراض به سیاستی دانست که دولت ترامپ با همراهی راهبردی اسرائیل در پیش گرفته بود. در واقع، یکی از مهم‌ترین پیام‌های انتخابات این بود که حمایت از اسرائیل و برخورداری از برتری نظامی، لزوماً به معنای برخورداری از حمایت نامحدود جامعه آمریکا برای ورود به یک جنگ منطقه‌ای نیست.

مخالفت با جنگ علیه ایران را باید یکی از اصلی‌ترین عوامل سیاسی شکست ترامپ و جمهوری‌خواهان در این انتخابات دانست. این مخالفت صرفاً به مواضع احزاب مخالف دولت یا گروه‌های منتقد سیاست خارجی آمریکا محدود نماند، بلکه در میان بخش قابل توجهی از افکار عمومی، از جمله رأی‌دهندگان مستقل و بخشی از حامیان سنتی جمهوری‌خواهان، گسترش یافت. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم دولت ترامپ جنگ را با ادبیات امنیت ملی، ضرورت مهار تهدیدهای منطقه‌ای و جلوگیری از افزایش قدرت نظامی ایران توجیه می‌کرد؛ اما با گذشت زمان، پرسش‌های جدی درباره اهداف واقعی جنگ، میزان موفقیت آن و چشم‌انداز پایان منازعه در جامعه آمریکا شکل گرفت. شهروندان آمریکایی می‌خواستند بدانند کشورشان دقیقاً به دنبال دستیابی به چه نتیجه‌ای است، این جنگ چه زمانی پایان خواهد یافت و چه تضمینی وجود دارد که درگیری به اعزام نیروهای زمینی، افزایش تلفات نظامی و گسترش بحران در منطقه منجر نشود. ناتوانی دولت در ارائه پاسخی روشن به این پرسش‌ها، به‌تدریج اعتبار سیاسی تصمیم ترامپ را تضعیف کرد.

نظرسنجی‌های پیش از انتخابات ابعاد این نارضایتی را به خوبی نشان می‌داد. بر اساس نظرسنجی مرکز پژوهشی پیو که از ۲۸ سپتامبر تا ۱۴ اکتبر ۲۰۲۶ انجام شد، ۶۵ درصد بزرگسالان آمریکایی از نحوه مدیریت عملیات نظامی علیه ایران توسط دونالد ترامپ ناراضی بودند و تنها ۳۳ درصد از عملکرد او حمایت می‌کردند. همچنین ۵۲ درصد پاسخ‌دهندگان اطمینان چندانی به تحقق اهداف دولت آمریکا در جنگ نداشتند و ۴۷ درصد پیش‌بینی می‌کردند که درگیری بیش از یک سال دیگر ادامه پیدا کند. افزون بر این، ۷۳ درصد نسبت به افزایش قیمت بنزین و سوخت و ۷۱ درصد نسبت به کشته یا زخمی شدن نظامیان آمریکایی ابراز نگرانی کرده بودند. نظرسنجی شورای شیکاگو نیز نشان می‌داد ۶۸ درصد آمریکایی‌ها معتقدند جنگ با ایران ارزش هزینه‌هایی را که ایالات متحده متحمل شده، نداشته است؛ در مقابل، ۳۱ درصد آن را ارزشمند ارزیابی می‌کردند. این مخالفت در میان دموکرات‌ها و مستقل‌ها به ترتیب به ۹۱ و ۷۶ درصد می‌رسید. همچنین ۷۲ درصد پاسخ‌دهندگان معتقد بودند جنگ به روابط آمریکا با متحدان و اعتبار بین‌المللی این کشور آسیب زده و ۶۵ درصد آن را برای امنیت ملی ایالات متحده زیان‌بار ارزیابی می‌کردند. مجموعه این ارقام نشان می‌دهد مخالفت با جنگ صرفاً موضعی حزبی یا ایدئولوژیک نبود، بلکه به ارزیابی عمومی از هزینه‌ها، پیامدها و دستاوردهای سیاست نظامی دولت تبدیل شده بود.

از این منظر، انتخابات میان دوره‌ای را می‌توان نوعی همه‌پرسی سیاسی درباره عملکرد ترامپ و به‌ویژه سیاست جنگی او دانست؛ هرچند این تعبیر به معنای آن نیست که همه رأی‌دهندگان صرفاً با انگیزه مخالفت با جنگ پای صندوق‌های رأی رفتند. اهمیت موضوع در آن است که جنگ علیه ایران به یکی از اصلی‌ترین نمادهای ناکامی دولت در مدیریت بحران تبدیل شد. ترامپ پس از انتخابات نیز پذیرفت که جنگ با ایران تا حدی در شکست جمهوری‌خواهان نقش داشته است. این اظهارنظر، فارغ از تلاش او برای توجیه تصمیم نظامی، نشان می‌دهد که کاخ سفید نیز نتوانسته است پیامدهای سیاسی جنگ را از نتیجه انتخابات جدا کند. به بیان دیگر، مخالفت با جنگ به یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده رأی منفی به ترامپ تبدیل شد و در کنار سایر نارضایتی‌ها، زمینه شکست جمهوری‌خواهان را فراهم کرد.

با این حال، برای فهم کامل نتیجه انتخابات باید توجه داشت که جنگ در خلأ اقتصادی و اجتماعی اتفاق نیفتاد. یکی از مهم‌ترین عوامل شکست ترامپ، نارضایتی گسترده از وضعیت اقتصادی و به‌ویژه افزایش هزینه‌های زندگی بود. او با وعده بهبود وضعیت معیشتی، کاهش هزینه‌ها و تقویت قدرت خرید خانوارها به قدرت بازگشته بود؛ اما بخش قابل توجهی از شهروندان احساس می‌کردند شرایط اقتصادی آنها بهبود نیافته و فشار هزینه‌های روزمره همچنان ادامه دارد. در چنین شرایطی، جنگ با ایران این نارضایتی را تشدید کرد. افزایش هزینه انرژی، بالا رفتن قیمت سوخت و نگرانی از بی‌ثباتی بازارها، پیامدهای یک منازعه خارجی را مستقیماً وارد زندگی روزمره آمریکایی‌ها کرد. به این ترتیب، سیاست خارجی دولت به مسأله‌ای ملموس در اقتصاد خانوار تبدیل شد و فاصله میان وعده‌های انتخاباتی ترامپ و عملکرد واقعی دولت را برجسته‌تر ساخت. این مسأله به‌ویژه برای کشاورزان، رانندگان، صاحبان کسب‌وکارهای کوچک و ساکنان مناطق وابسته به حمل‌ونقل و مصرف انرژی اهمیت داشت. در آیووا، قیمت گازوئیل به بیش از ۶ دلار در هر گالن رسید و افزایش هزینه سوخت، فشار مضاعفی بر کشاورزان در فصل برداشت وارد کرد. افزایش هزینه حمل‌ونقل و ماشین‌آلات کشاورزی، در کنار بالا رفتن قیمت سایر نهاده‌ها، گروه‌هایی را تحت فشار قرار داد که بخشی از پایگاه سنتی جمهوری‌خواهان محسوب می‌شوند. از همین رو، جنگ به‌تدریج با این احساس در میان بخشی از رأی‌دهندگان پیوند خورد که دولت ترامپ از شعار «اول آمریکا» فاصله گرفته و منابع و توان کشور را درگیر منازعه‌ای کرده است که هزینه آن را شهروندان آمریکایی می‌پردازند. در چنین فضایی، حتی برخی نامزدهای جمهوری‌خواه در ایالت‌های رقابتی نیز کوشیدند از مواضع دولت درباره جنگ فاصله بگیرند و توجه رأی‌دهندگان را به قیمت سوخت و هزینه‌های زندگی معطوف کنند. در کنار اقتصاد و جنگ، نگرانی درباره فساد، تعارض منافع و شیوه اداره دولت نیز در شکست جمهوری‌خواهان نقش داشت. در نظرسنجی خروج از انتخابات، ۵۴ درصد رأی‌دهندگان فساد دولتی را عاملی تعیین‌کننده در انتخاب خود دانستند و ۳۶ درصد دیگر آن را عاملی مهم ارزیابی کردند. همچنین ۴۳ درصد اعلام کردند با هدف ابراز مخالفت با ترامپ رأی داده‌اند، در حالی که تنها ۱۶ درصد انگیزه خود را حمایت از او عنوان کردند. این ارقام نشان می‌دهد انتخابات به داوری گسترده‌تری درباره شخص ترامپ و عملکرد دولت او تبدیل شده بود. از این رو، شکست جمهوری‌خواهان را باید نتیجه هم‌افزایی چند عامل دانست: مخالفت با جنگ، نارضایتی از وضعیت اقتصادی، افزایش هزینه‌های زندگی، نگرانی از فساد و اعتراض به شیوه حکمرانی ترامپ. جنگ در این میان جایگاهی محوری داشت، اما به‌تنهایی تمام ابعاد این شکست را توضیح نمی‌داد.

گستره پیروزی دموکرات‌ها و موفقیت آنان در برخی پایگاه‌های سنتی جمهوری‌خواهان نیز نشان‌دهنده عمق این نارضایتی بود. شکست دارلین گراهام، نامزد جمهوری‌خواه مورد حمایت ترامپ در انتخابات سنای کارولینای جنوبی، از جمله تحولات معنادار انتخابات به شمار می‌رفت. پیروزی آنی اندروز، نامزد دموکرات، در ایالتی که از پایگاه‌های سنتی جمهوری‌خواهان محسوب می‌شود، نشان داد حمایت رئیس جمهوری دیگر برای پیروزی نامزدهای حزب او در همه حوزه‌ها کفایت نمی‌کند. پیروزی عبدل السید در انتخابات سنای میشیگان و ورود اولین سناتور مسلمان به کنگره آمریکا نیز از تحولات قابل توجه بود. این پیروزی را باید در چارچوب افزایش مشارکت سیاسی گروه‌هایی بررسی کرد که نسبت به سیاست‌های خاورمیانه‌ای واشنگتن و حمایت نظامی از اسرائیل انتقاد دارند؛ هرچند مسائل اقتصادی و اجتماعی نیز در موفقیت این نامزدها نقش داشته است. این تحولات در مجموع نشان می‌دهد که نارضایتی از سیاست خارجی دولت، در کنار مطالبات اقتصادی و اجتماعی، به تغییراتی در آرایش سیاسی آمریکا منجر شده است.

نتیجه انتخابات از منظر راهبردی، شکاف میان محاسبات نظامی ترامپ و الزامات سیاست داخلی آمریکا را آشکار کرد. دولت ممکن است در آغاز جنگ تصور کرده باشد که با اتکا به برتری نظامی می‌تواند اهداف خود را در مدت کوتاهی محقق کند، اما آغاز جنگ با توانایی پایان دادن به آن یکسان نیست. هرچه دامنه و مدت منازعه افزایش یافت، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی آن نیز بیشتر شد و امکان تبدیل دستاوردهای نظامی به سرمایه سیاسی کاهش پیدا کرد. حتی اگر دولت بتواند از برخی موفقیت‌های تاکتیکی سخن بگوید، این موفقیت‌ها زمانی به دستاورد راهبردی تبدیل می‌شوند که اهداف نهایی جنگ روشن باشد، هزینه‌ها قابل مدیریت بماند و چشم‌اندازی معتبر برای پایان منازعه وجود داشته باشد. فقدان چنین چشم‌اندازی، بویژه در شرایطی که نگرانی از افزایش تلفات نظامی و احتمال اعزام نیروهای زمینی وجود داشت، اعتماد عمومی به توانایی دولت برای مدیریت بحران را کاهش داد. پیروزی دموکرات‌ها در هر دو مجلس کنگره نیز می‌تواند فضای سیاسی و نظارتی دولت ترامپ را به‌طور جدی تغییر دهد. این تحول به معنای توقف خودکار عملیات نظامی یا سلب اختیارات رئیس جمهوری نیست، اما اکثریت جدید کنگره می‌تواند درباره هزینه‌های جنگ، اهداف عملیات نظامی، نحوه تخصیص بودجه و پیامدهای امنیتی آن مطالبه پاسخ کند و از ابزارهای نظارتی و بودجه‌ای برای افزایش فشار بر کاخ سفید بهره بگیرد. در نتیجه، ادامه جنگ برای دولت ترامپ نه‌تنها با هزینه‌های نظامی و اقتصادی، بلکه با محدودیت‌های سیاسی بیشتری همراه خواهد شد. در نهایت، انتخابات نوامبر ۲۰۲۶ را باید نقطه تلاقی مخالفت با جنگ و نارضایتی عمومی از عملکرد دولت ترامپ دانست. جنگ علیه ایران یکی از اصلی‌ترین عوامل شکست سیاسی ترامپ بود، زیرا هم اعتبار ادعاهای او درباره تأمین امنیت آمریکا را زیر سؤال برد و هم از طریق افزایش هزینه‌های اقتصادی و تشدید نگرانی‌های امنیتی، نارضایتی موجود در جامعه را گسترش داد. با این حال، این جنگ در کنار مسائل دیگری مانند کاهش قدرت خرید، گرانی، نگرانی درباره فساد و نارضایتی از شیوه حکمرانی دولت عمل کرد و مجموعه این عوامل به شکست جمهوری‌خواهان انجامید. بنابراین، تعبیر «همه‌پرسی ملی علیه ترامپ» زمانی دقیق‌تر خواهد بود که آن را داوری عمومی درباره عملکرد کلی دولت بدانیم که جنگ ایران به یکی از برجسته‌ترین محورهای آن تبدیل شد. پیام انتخابات برای واشنگتن روشن است و اینکه برتری نظامی، حمایت متحدان و توجیهات امنیتی، به‌تنهایی برای حفظ رضایت عمومی کافی نیست. جامعه آمریکا حاضر نیست بدون چشم‌انداز روشن و بدون اطمینان از دستاوردهای ملموس، هزینه یک جنگ طولانی را بپردازد. رأی‌دهندگان آمریکایی با انتخاب نمایندگان جدید، به دولت خود هشدار دادند که نمی‌توان کشور را وارد منازعه‌ای منطقه‌ای کرد، هزینه‌های آن را به زندگی روزمره مردم منتقل ساخت و در عین حال انتظار حمایت سیاسی بی‌قید‌وشرط داشت. از این منظر، انتخابات میان دوره‌ای را می‌توان «نه بزرگ» افکار عمومی آمریکا به جنگ و پیامدهای آن دانست: نه لزوماً رأیی یکپارچه درباره ایران، بلکه اعتراضی به سیاستی که دولت ترامپ نتوانست اهداف، هزینه‌ها و چشم‌انداز پایان آن را برای جامعه آمریکا توجیه کند.

*استاد دانشگاه تهران و رئیس مرکز مطالعات راهبردی وزارت کشور

شرکت کنندگان در راهپیمایی ۱۳آبان:

در مسیر استقلال، متحد و استوار خواهیم بود

مراسم راهپیمایی یوم‌الله ۱۳آبان، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، روز گذشته با حضور مردم، دانش‌آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف جامعه در تهران و دیگر شهرهای کشور برگزار شد. شرکت‌کنندگان در این مراسم با سردادن شعارهای ضد استکباری و در دست داشتن پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر بر پایبندی خود به آرمان‌های انقلاب اسلامی و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی تأکید کردند. در تهران، مسیر میدان فلسطین تا مقابل لانه جاسوسی سابق در خیابان طالقانی، شاهد حضور پرشور مردم پایتخت بود. از جمله نکات راهپیمایی روز گذشته، گرامیداشت یاد و نام شهدای دانش‌آموز مدرسه شجره طیبه میناب بود که در اولین روز آغاز جنگ تجاوزکارانه ایالات متحده به ایران، به شهادت رسیدند.

علیرضا زاکانی شهردار تهران، سخنران مراسم راهپیمایی ۱۳آبان در تهران بود.

در قطعنامه پایانی مراسم یوم‌الله ۱۳آبان امسال، شرکت کنندگان تأکید کردند که «ما ملت بزرگ ایران اسلامی، بر تداوم راه شهدای پرافتخار، تا تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی تأکید نموده و «به‌روزرسانی بانک اهداف» به‌گونه‌ای که انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی-صهیونی در تیررس نیروهای مسلح قرار گیرد را ضرورتی راهبردی می‌دانیم.»

در ادامه این قطعنامه آمده است: ما مردم ولایتمدار ایران با تجدید عهد و بیعت با رهبر رشید امت، حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، بر پیروی از مکتب امامین انقلاب و تبعیت از ولایت فقیه تأکید و اعلام می‌داریم که ملت ایران با الهام از سیره و اندیشه رهبران الهی خود، در مسیر عزت، استقلال، پیشرفت و مقاومت، استوار و متحد باقی خواهد ماند و در پاسداری از میراث گرانسنگ انقلاب اسلامی، از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد و تعمیق «دفاع بومی»، همراه با حمایت ملی از نیروهای مسلح به‌عنوان رکن بازدارندگی در برابر بیگانگان ایران‌ستیز و مزدوران داخلی را از ضروریات استمرار این مسیر می‌داند.

همچنین در این بیانیه تأکید شده است که «از مسئولان عالی‌رتبه نظام و مراجع ذی‌صلاح انتظار داریم با بازنگری قاطع در منافع و الزامات استمرار عضویت جمهوری اسلامی ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، در برابر بدعهدی‌ها، تبعیض‌ها و تهدیدهای مستمر قدرت‌های سلطه‌گر، خروج عزتمندانه جمهوری اسلامی ایران از این پیمان را به‌عنوان مطالبه جدی ملت ایران در دستور کار قرار داده و تصمیم مقتضی را با هدف صیانت از امنیت ملی، استقلال و اقتدار هسته‌ای کشور اتخاذ کنند.»

وی تأکید کرد: امروز، با آشکارتر شدن شکست سیاست‌های جنگ‌افروزانه ترامپ و نتانیاهو و روند فروپاشی همینه آنها در جهان، ایستادگی ملت ایران بیش از گذشته الهام‌بخش ملت‌های آزاده است.

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی نیز با صدور بیانیه‌ای تأکید کرد: ۱۳آبان ۱۴۰۵ جلوه تأثیرگذاری مقاومت ملت ایران در معادلات بین‌المللی و صحنه شکست قدرت‌نمایی ترامپ در انتخابات کنگره آمریکا و ضربه دیگری بر هیمنه آمریکای رو به زوال بود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز روز گذشته با صدور پیامی به مناسبت ۱۳آبان، تصریح کرد که تمامی تدابیر و فرامین اخیر فرماندهی معظم کل قوا در دیدار فرماندهان عالی نیروهای مسلح را در راستای «بازدارندگی حداکثری» با تمام توان در دستور کار قرار داده است و در هم افزایی و هماهنگی با سایر نیروهای مسلح و مدافع کشور در اجرای آن لحظه‌ای درنگ نخواهد کرد. سردار رضا طلایی‌نیک سخنگوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در پیامی در صفحه شخصی خود در شبکه ایکس، به مناسبت یوم‌الله ۱۳آبان نوشت: ۱۳آبان، فرصتی برای بازخوانی جنایت‌های استکبار جهانی، بویژه آمریکا، و تجدید عهد با مقاومت در برابر مداخله‌گری است.